

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# چالش‌ها و خلأهای قانونی در حمایت از زنان بی‌سرپرست



نگارنده

مهدی جودی - سپهر اسمعیان افشار

انتشارات چتر دانش

سرشناسه :	جودی، مهدی، ۱۳۷۲-
عنوان قراردادی	ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	چالش‌ها و خلاءهای قانونی در حمایت از زنان بی سرپرست/ نگارنده مهدی جودی، سپهر اسمعلیان افشار.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۳۹ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۶۷-۱ :
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا	
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: زنان سرپرست خانوار -- ایران -- سیاست دولت
موضوع	:

#### Women heads of households -- Government policy -- Iran

موضوع	: زنان سرپرست خانوار -- ایران
موضوع	Women heads of households -- Iran :
شناسه افزوده	: اسمعلیان افشار، سپهر، ۱۳۷۲-
رده بندی کنگره	: HQ۱۳۸۱
رده بندی دیویی	: ۳۰۵/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۱۳۱۰۸

نام کتاب	: چالش‌ها و خلاءهای قانونی در حمایت از زنان بی سرپرست
ناشر	: چتر دانش
نگارنده	: مهدی جودی- سپهر اسمعلیان افشار
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۸
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۶۷-۱
قیمت	: ۸۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمیبری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته موردتوجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک‌سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، موردتوجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفه ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

تقدیم ہے:

روح پاک پدرم کہ عالمانہ بہ من آموخت تا چگونه در عرصہ زندگی،  
استادگی را تجربہ نمایم

و

بہ مادرم، دریای بی کران فداکاری و عشق کہ وجودم برایش ہمہ  
رج بود و وجودش برایم ہمہ مہر.

## فهرست اجمالی

مقدمه .....	۷
فصل اول: مفاهیم و نظریه‌ها .....	۱۱
۱-۱ مفاهیم .....	۱۳
۲-۱ نظریه‌ها .....	۲۸
فصل دوم: بی‌سرپرستی زنان، آثار و چالش‌های موجود .....	۴۷
۱-۲ آخرین آمارِ موجود و علل بی‌سرپرستی .....	۴۹
۲-۲ چالش بیکاری و تبعیض .....	۵۴
۳-۲ چالش مشکلات اجتماعی و عاطفی .....	۶۰
۴-۲ چالش آسیب‌های اجتماعی .....	۷۴
فصل سوم: بررسی قوانین موجود و راهکارهای حمایتی .....	۸۵
۱-۳ قوانین موجود .....	۸۷
۲-۳ راهکارهای حمایتی .....	۱۱۲
منابع .....	۱۲۷
فهرست تفصیلی .....	۱۳۷



## مقدمه

این نوشتار در خلال چهار فصل تهیه شده است، فصل اول مقدمه و در فصل دوم، به منظور به دست دادن پیش‌نیاز اطلاعاتی لازم، به بیان مفاهیم و مبانی مرتبط با بی‌سرپرستی و خودسرپرستی زنان پرداخته شده است. فصل سوم بیانگر انواع معضلات اجتماعی، اقتصادی و فردی است که زنان بی‌سرپرست با آن مواجه هستند، هدف از نگارش این فصل تبیین مواردی است که نیاز به حمایت در آن احساس می‌شود. در فصل چهارم به شرح و مطالعه راهکارهای تئوریک و قانون‌محور در حمایت از زنان بی‌سرپرست پرداخته‌ایم. در این فصل سعی شده تا در حد امکان، برخی خلاءها، تناقضات و چالش‌ها بیان گردد و در نهایت به جمع‌بندی مجموعه فصول و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

در زندگی امروز بی‌سرپرستی می‌تواند مشکلات متعددی علاوه بر مشکل خلاء روانی برای شخص ایجاد کند. این‌که ما زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست را در جامعه رها کنیم و آنان را در مسیر صحیح و پیشرفت قرار ندهیم و از لحاظ اجتماعی تأمین نکنیم و در مقابل از آن‌ها انتظار نقش مثبت و سازنده در جامعه داشته باشیم، امری ناصواب و غیرمنطقی است. بر کسی پوشیده نیست که رسیدن به منزلت‌های اجتماعی برای

زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، با حمایت‌های کنونی و فرهنگ حاکم بر جامعه، بعید به نظر می‌رسد.

از جمله مواردی که به این قشر از جامعه، امید و نشاط می‌بخشد و مایه تحرک و دلگرمی بیشتر آن‌ها می‌شود، تأمین زندگی و روشن بودن وضعیت آینده این قشر می‌باشد. وظیفه فراهم آوردن امکانات و زمینه احقاق حقوق زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست و به‌طور کلی تحقق آرمان عدالت اجتماعی برعهده دولت است. دولت اگرچه به دلایل مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه در تحقق عدالت با دشواری‌هایی روبروست، اما تحقق حداقل شرایط زندگی و تأمین اجتماعی اقشار آسیب‌پذیر جامعه در حدی که امید به زندگی و امکان پیشرفت برای آنان وجود داشته باشد، از وظایف بدیهی هر دولتی که قبول مسئولیت می‌نماید، می‌باشد.

کشور ما از لحاظ ثروت و منابع و امکانات در میان کشورهای جهان، از موقعیت مناسبی برخوردار است و بنابراین باید با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های زیربنایی و مدیریت صحیح، امکانات معیشتی ضروری و برابری نسبی در فرصت‌ها، درآمدها و ثروت‌ها را برای همه اقشار آسیب‌پذیر به خصوص زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست فراهم سازد.

در این نوشتار آنچه مدنظر است، پرداختن به تمامی ابعاد است که می‌تواند حمایتگر یک بانوی بی‌سرپرست یا خودسرپرست باشد. این ابعاد می‌تواند اجتماعی، فرهنگی و خلاءهای قانونی باشد که ممکن است در حیطه تقنینی یا اجرایی وجود داشته باشد که تا کنون از دید محققین و قانونگذاران دور مانده است.

وجود زنان بی‌سرپرست، با توجه به تلفات دوران جنگ تحمیلی، مرگ‌ومیر ناشی از حوادث رانندگی و کار و همچنین آمار طلاق در



حال حاضر یکی از مسائل مبتلابه در جامعه کنونی ایران است. وجود نابسامانی‌های اقتصادی و شرایط بازار کار به شدت این گروه آسیب‌پذیر را مورد تهاجم قرار می‌دهد. با توجه به این‌که تحقق عدالت اجتماعی در حکومت اسلامی همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و در اصل ۲۱ قانون اساسی نیز تأکید ویژه‌ای بر آن شده؛ فراهم نمودن شرایط حمایت از زنان بی‌سرپرست الزامی می‌نماید.

در زمینه تعریف زنان بی‌سرپرست می‌توان گفت با توجه به آن‌که در خانواده‌های ایرانی تأمین معیشت خانواده عموماً با مرد است؛ لذا زنانی که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال سرپرستی خانواده، مسئولیت اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های عمده را بر عهده دارند، زنان بی‌سرپرست هستند (خسروی، ۱۳۸۰، ص ۸۹). در این‌جا توضیح این نکته ضروری است که عبارت «زنان بی‌سرپرست» علی‌رغم استفاده زیاد صحیح به‌نظر نمی‌رسد. و با توجه به آن‌که سرپرستی، از دیدگاه قانونی ویژه صغار، مجانبین و دیگر افراد ناتوان از انجام امور عادی است. بهتر است به این زنان، «زنان سرپرست خانوار» یا «زنان خودسرپرست» گفته شود.

در نهایت پس از توضیحات مقدماتی فوق باید عنوان نماییم که این مشکلات در تمامی جوامع دیگر نیز وجود دارد و علی‌الاصول این دولت‌ها هستند که وظیفه رسیدگی به این وضعیت زنان به عهده دارند. در تمامی جوامع، دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری موظف به حمایت از زنان بی‌سرپرست می‌باشند. در ایران طی برنامه چهارم توسعه، افزایش پوشش بیمه‌های خاص زنان سرپرست خانوار و طرح پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی مدنظر مقنن بوده است. در برنامه پنجم توسعه دولت موظف شده است که از خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست حمایت نماید. لیکن حوزه‌های حمایتی نسبت به زنان بی‌سرپرست را می‌توان در

مواردی همچون قوانین توانمندسازی، اشتغال، بیمه، ارائه خدمات آموزشی، و... دستهبندی نمود. با این وجود به باور عده زیادی از جمله منتقدین قانون «ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» مصوب ۱۳۸۳، هیچ تحول چشمگیری در وضعیت زنان بی سرپرست به وجود نیامده است. لذا در این پژوهش تلاش داریم تا به تبیین حدود حمایت قانونی از زنان بی سرپرست و شناخت خلاءهای قانونی در حمایت از زنان بی سرپرست و با بررسی قوانین موجود و ارائه راه‌حل‌های ممکن، برای برون‌رفت از خلاءهای اجرایی و قانونی با تأکید بر قواعد فقهی و اسناد بین‌المللی و همچنین حدود اجرایی شدن این قوانین دریابیم که چه ضعف‌هایی در رابطه با خلأ قانونی و یا خلاء اجرایی در زمینه حمایت از زنان و کودکان بی سرپرست وجود دارد؟

به نظر می‌رسد، قانون‌گذاری‌های اخیر در مواردی همچون امکان اسکان موقت و پوشش‌های بیمه‌ای ارزان، مؤثر بوده است و در مواردی همچون ایجاد اشتغال و وام‌های اعطایی دارای کاستی‌های اجرایی می‌باشیم. همچنین حقوق ایران در زمینه مؤلفه‌هایی همچون آموزش بانوان خودسرپرست، ایجاد برابری جنسیتی، جلوگیری از خشونت علیه زنان دچار خلاء قانونی است و اینکه با توجه به آیات و روایات متعدد در زمینه لزوم دستگیری حکام از ضعفا و ایتام، رسیدگی به وضعیت زنان بی سرپرست از اهمیت بالایی در فقه برخوردار باشد.



**فصل اول**  
**مفاهیم و نظریه‌ها**



## مفاهیم و نظریه‌ها

در این فصل ابتدا به تعریف مفاهیم و سپس به توضیح نظریه‌های به کار برده شده در کتاب می‌پردازیم.

### ۱-۱-۱ مفاهیم

در کتاب پیش رو با مفاهیمی مواجه هستیم که دارای دو جنبه هستند؛ یکی جنبه حقوقی و دیگری جنبه اجتماعی. برخی از این تعاریف، سابق بر این تحقیق، در مباحث مربوط به حقوق خانواده برای بسیاری مآنوس هستند، لیکن در اینجا سعی داریم تا از دیدگاهی نزدیک به زنان بی‌سرپرست، به بررسی این مفاهیم بپردازیم.

### ۱-۱-۱-۱ خانوار

خانواده در تعریف جامعه‌شناختی آن شامل دو یا بیش از دو شخص است که با یکدیگر زندگی می‌کنند و با پیوند خونی، نکاحی یا فرزندخواندگی به یکدیگر مرتبطند. کارکرد اصلی تشکیل خانواده، تولیدمثل و تربیت فرزندان است و این امر جز از طریق پیوند نکاحی یا زناشویی مرد و زن امکان‌پذیر نیست، آن چه را که خارج از این مقوله قرار گیرد، خانوادهٔ ناکامل می‌خوانند که بیشتر به مفهوم خانوار نزدیک است تا خانواده

به معنای یک واحد زیستی.

خانواده در تعریف حقوقی آن عبارت است از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آن‌ها که معمولاً با هم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. معیار و ضابطه تشکیل این خانواده همان ریاست یک شخص بر اعضای آن است (صفایی و امامی، ۱۳۸۳، ۱۲).

در تعریف دیگری از خانواده آمده است: «خانواده یک واحد حقوقی است که لاقلاً از یک زن و یک مرد که بین آن‌ها رابطه زوجیت وجود پیدا کرده ناشی می‌شود. وجود زن و مرد اگرچه که از ابتدا شرط حدوث آن است، ولی شرط بقای آن نیست، همانند خانواده‌ای که از یک مادر و یک فرزند تشکیل می‌شود و پدر خانواده مرده باشد؛ به هر صورت لاقلاً وجود دو نفر شرط تحقق آن است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸، ۲۵۶-۲۵۷). و در تعریف خانوار گفته شده است: عبارت است از زن و فرزندان که تحت تکفل یا ولایت رئیس خانوار هستند و از نظر مقررات قانونی در حکم یک شخص محسوبند» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸، ۱۳). مفهوم خانوار در واقع مبتنی بر یک تعریف کلی و عملیاتی از گرد هم آمدن اشخاص با نسبت‌ها و روابط متفاوت در زیر یک سقف واحد است و از این‌رو، به‌ویژه در تعریف آماری، اغلب از اصطلاح خانوار به جای خانواده استفاده می‌شود. در یک جمله، خانوار از چند نفر تشکیک می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. به این ترتیب، فردی هم که به تنهایی زندگی می‌کند، خانوار محسوب می‌شود (بهنام، ۱۳۵۰، ۱۳). با این بیان، زنان خودسرپرست را نیز می‌توان خانوار محسوب کرد، حال آن که این زنان را که مستقلاً به تأمین معاش خود می‌پردازند، نمی‌توان جزء تعریف خانواده به حساب آورد. بنابراین به جای سرپرست خانواده از واژه سرپرست خانوار استفاده می‌شود.

### ۱-۱-۲- زنان سرپرست خانوار

سرپرست خانواده به کسی اطلاق می‌شود که قدرت قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با سایر اعضای خانواده دارد معمولاً مسن‌ترین فرد خانواده است و مسئولیت‌های اقتصادی خانواده به عهده وی است.

اصطلاح زنان سرپرست خانوار به زنانی اطلاق می‌شود که مسئولیت تأمین معاش زندگی یا اداره امور خود و یا خانواده خود را به‌طور دائم یا موقت عهده‌دار هستند. زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت یا اعتیاد همسر، از کارافتادگی و رهاسدن توسط مردان موجب آسیب‌پذیر شدن این طیف وسیع در جامعه می‌شود. بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار است.

در یک دسته‌بندی خانوارهای دارای سرپرست زن به چند گروه عمده تقسیم شده‌اند:

گروه اول: خانوارهایی هستند که در آن‌ها مرد به‌طور دائمی حضور ندارد و زنان به‌دلیل فوت همسر یا طلاق بیوه شده‌اند یا دخترانی که ازدواج نکرده‌اند و تنها زندگی می‌کنند.

گروه دوم: خانواده‌هایی هستند که مرد به‌طور موقت به‌دلیل مهاجرت، مفقودالاثر بودن، متواری بودن یا زندانی بودن یا سر‌باز بودن غایب هستند، زنان مجبور به تأمین معاش زندگی خود و فرزندانشان هستند.

گروه سوم: خانوارهایی هستند که مرد حضور دارد، ولی به‌علت بیکاری و از کارافتادگی و یا اعتیاد، در امر معاش نقش ندارد و عملاً زن سرپرستی را بر عهده دارد. سال ۸۵ برای نخستین و آخرین بار تعدادی از مسئولان تعداد تقریبی این زنان در کشور را ۵۰۰ هزار نفر عنوان کردند.

بر اساس نتایج سرشماری، ۱۳۸۵ نسبت سرپرستان خانوار زن با ۱/۱ درصد افزایش به ۹/۴۶ درصد و در مقابل، تعداد سرپرستان مرد خانوار با ۹۰/۱ درصد کاهش به ۵۴/۹۰ رسیده است؛ به طوری که طرفداران نظریهٔ زنانه‌شدن فقر معتقدند که خانوارهای زن سرپرست نه تنها در همهٔ کشورهای جهان گسترش یافته‌اند، بلکه به طور فزاینده بر تعداد خانوارهای زن سرپرست که در جمعیت کم‌درآمد قرار می‌گیرند، افزوده می‌شود. آمارها نشان می‌دهند که بیش از ۱ میلیون و دویست هزار نفر زن سرپرست خانوار در ایران وجود دارد. از این تعداد تنها ۷۵۵ هزار نفر (۶۳ درصد) تحت پوشش سازمان‌های دولتی هستند. از این میان، ۲۵۵ هزار نفر (۲۱ درصد) تحت پوشش سازمان بهزیستی و حدود ۵۰۰ هزار نفر (۴۱ درصد) تحت پوشش کمیته امداد هستند (معیدفر و حمیدی، ۱۳۸۶، ص ۷۸).

از دست دادن شوهر به هر دلیل زنان را در موقعیت خطرناکی قرار می‌دهد که آسیب‌های زیادی برای آنان در پی دارد. با از دست رفتن شوهر شکل تقسیم کار در خانواده به هم می‌خورد. همان طور که پارسونز<sup>۱</sup> گفته است؛ در دنیای جدید روند صنعتی شدن به گونه‌ای بوده است که با جدایی محیط کار از خانه، زنان بیشتر متوجه جهان خصوصی تر خانواده شده‌اند و بر این اساس، مسئولیت تأمین عاطفی خانواده را بر عهده گرفته‌اند و مردان که به جهان اقتصادی و سیاسی خانواده گرایش داشتند مسئولیت اقتصادی آن را بر دوش کشیده‌اند (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۴۷). با از دست رفتن شوهر زنان نقش مادری و سرپرستی از فرزندان را توأماً قبول می‌نمایند که این نقش همراه با آسیب‌های فراوانی است. در این میان زنان سرپرست خانوار دارای مسئولیت سنگین اقتصادی و اجتماعی در خانواده هستند. آنان هم مادر فرزندان خود هستند و هم پدر. متأسفانه در جامعه

۱- Talcott Parsons، جامعه‌شناس آمریکایی.



کنونی ما زندگی زنان پس از ترک شوهر غالباً با ابهامات و مخاطراتی روبه‌روست از جمله سرپرستی فرزندان به‌تنهایی، سختی مشکلات اقتصادی، زندگی در تنهایی و همراه با افسردگی و ناامیدی و همچنین نگرش غلط جامعه نسبت به زنان مطلقه و بیوه در فقدان همسرشان آنان را در روابط اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌کند. نگاه‌های معنی‌دار، سخنان تلخ و گزنده، از دست دادن حمایت‌های عاطفی همسر، فقر اقتصادی و تمایل به تنهاماندن و حفظ حیثیت و شخصیت خود پاره‌ای از مشکلات تمام‌ناشدنی این قشر زحمت‌کش است. این گروه از زنان اغلب با عوامل آسیب‌زایی همچون، ضعف دسترسی به فرصت‌های شغلی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، نداشتن درآمد مستمر و مشکلات روحی و روانی مواجه هستند که در صورت فقدان حمایت‌های همه‌جانبه هزینه‌های هنگفتی را به جامعه تحمیل خواهند کرد. نابرابری فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی عملاً موجب می‌شود این زنان از تأمین بسیاری از نیازهای خود و خانواده تحت سرپرستی‌شان عاجز شوند و برای همین جزو اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت به حساب آیند.

در کشورهای در حال توسعه همانند ایران مشکل زنان سرپرست خانوار، بسیار زیادتر است. در این جوامع ساختارهای اقتصادی و اجتماعی غالباً مردانه هستند و برای همین پذیرش زنان بسیار دشوار است. از سوی دیگر، روند مدرنیته در این جوامع بیشتر از لحاظ فیزیکی شکل گرفته، ولی هم‌پای آن ارزش‌ها و نهادهای مدرن توسعه پیدا نکرده‌اند. این امر موجب می‌شود که در جوامع در حال توسعه تقابل سنت و مدرنیسم در اغلب حوزه‌ها احساس شود. در رابطه با زنان سرپرست خانوار برداشت نظام‌های سنتی به‌خاطر غلبه ارزش‌هایی مثل ناموس و آبروداری موجب می‌شد مردان، بی‌سرپناهی زنی از تبارشان را ننگ تلقی نمایند و به فکر

چاره‌ای برای آن برآیند. در این شرایط عموماً زن سرپرست خانوار به ازدواج یکی از افراد فامیل مثل برادرشوهر در می‌آمدند یا در صورت نبود چنین امکانی تحت حمایت دیگر خانواده‌های خویشاوند در می‌آمد. جو حاکم به‌گونه‌ای بود که اگر خانواده‌ای به وضعیت زنان بی‌سرپرست فامیل بی‌اعتنایی می‌کرد، بی‌اعتبار می‌شد. با تحول جامعه از شکل روستایی به شکل شهری و غالب شدن زندگی آپارتمانی و فقدان خانه‌های روستایی با امکان اتاق‌های زیاد، عملاً امکان حمایت از زنان سرپرست خانوار برای خویشاوندان از بین رفته است. با تغییر در شکل ظاهری زندگی، ذهنیت سنتی و ارزش‌های حاکم بر آن نیز کم‌رنگ شده و آمادگی خویشاوندان برای تأمین زنان فوق از دست رفته است. در وضع موجود دیگر خانه پدر، برادر، عمو، دایی و... به زنان تنها و نیازمند پناه نمی‌دهد، ولی شکل‌گیری نهادهای مربوط به تأمین اجتماعی که جایگزین حمایت‌های سنتی باشد، با دشواری‌های فراوانی در جوامع در حال توسعه همراه است. با این وصف باید گفت حمایت‌های مالی، عاطفی و اجتماعی از جانب خانواده و خویشاوندان برای زنان سرپرست خانوار کم است و تأمین اجتماعی نیز با مشکلات زیادی همراه است. وجود برخی مشکلات فرهنگی مثل غیرت و تعصب افراد ذکور فامیل و نگرش منفی و آزارهای جنسی به زنان سرپرست خانوار در محیط‌های شغلی نیز بر مسائل این زنان می‌افزاید. این در حالی است که وضعیت اقتصادی اکثر آنان بسیار وخیم بوده و میزان دریافت‌های مادیشان بسیار ناچیز است. از این ناحیه آسیب‌های بسیار جدی در کمین خانواده‌های زن سرپرست است.

با توجه به شکل غالب نظام خانوادگی در جوامع معاصر یعنی خانواده هسته‌ای یا زن و شوهری، خانواده‌های زن سرپرست خانواده‌های معیوبی هستند و بنابراین قادر نیستند کارکردهای یک خانواده سالم را انجام

دهند. به دلیل حاکم بودن فضای سنتی در ایران زنان را برای سرپرستی فرزندانشان چندان به رسمیت نمی‌شناسد و نگرش منفی نسبت به آنان دارند یعنی تصور می‌شود که زنان توانایی اداره کردن خانواده خود را ندارند و باید با حمایت‌های مالی به آن‌ها کمک کرد در زنان سرپرست خانوار علاوه بر این نگرش منفی، نقش‌های چندگانه و مسئولیت‌های بسیار آنان غالباً وقت اضافی برای برقراری روابط اجتماعی ندارند این مورد به مرور موجب طرد آن‌ها از جامعه و مشکلات عدیده‌ای برای آن‌ها می‌شود (حسینی، ۱۳۸۵، ۸۹).

### ۱-۱-۳- اشتغال

به اعتقاد اندیشمندان، اشتغال تنها یک امتیاز پرمنزلت نیست، بلکه یک ضرورت برای بقا است و باید به‌عنوان یکی از وجوه حقوق بشر شناخته شود. لذا حق اشتغال و برابری فرصت‌های استخدامی دارای اهمیت زیادی است و این جامعه است که از طریق ابزارهای حقوقی و قانونی باید مسئولیت تدارک آن را برای همهٔ افراد جامعه به عهده بگیرد (ماهر، ۱۳۸۳، ۳۴-۳۵). بر یک نظام استخدامی مطلوب، اصولی همچون اصل آزادی اشتغال یا حق استخدام و برپایی کسب و کار، اصل حقوق مساوی برای کار مساوی، اصل لیاقت و شایستگی، اصل حق دفاع از حقوق شغلی، اصل وجود امنیت شغلی، اصل ممنوعیت تبعیض، اصل برابری فرصت‌های شغلی و استخدامی و... حاکم است (امامی، ۱۳۸۷، ۱۹۴-۱۹۸).

ابتدا لازم است میان مفهوم «اشتغال» در حوزهٔ اقتصاد و مفهوم «کار» یا «فعالیت» تمایز نهاد. اشتغال به فعالیتی می‌گویند که به‌منظور تهیه و تولید کالا و خدمات اقتصادی انجام می‌شود (علویون، ۱۳۸۱، ۱۹). اشتغال در لغت به‌معنای به‌کارپرداختن و مشغول شدن و به‌عنوان یک واژهٔ خاص به‌معنای کارهای یدی، فکری، احساسی یا عاطفی است که انسان‌ها در

زندگی برای خود انتخاب کرده‌اند. شغل کاری است که در مقابل آن دستمزدی معین انجام می‌شود. شاغل نیز از دیدگاه مرکز آمار ایران، فردی بالای ۱۰ سال است که در هفته آمارگیری حداقل یک ساعت کار کرده باشد یا به‌طور موقت کارش را ترک کرده باشد. شاغلان به‌طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق‌بگیران و خود اشتغالان می‌شوند. ترک موقت کار در هفته مرجع با داشتن پیوند رسمی شغلی برای مزد و حقوق‌بگیران و تداوم کسب و کار برای خود اشتغالان، به‌عنوان اشتغال محسوب می‌شود.

#### ۱-۱-۴- حمایت

در تعریف واژه حمایت آمده است: حمایت عبارت است از:

۱- نگهبانی کردن، دفاع کردن از کسی، پشتیبانی کردن؛

۲- نگهبانی، پشتیبانی، حفاظت.

و «حمایت کردن» را تعریف کرده‌اند به نگهبانی کردن، دفاع کردن از

کسی (معین: ۱۳۷۲، ۱۱۳۶۰).

در تعریف دیگری از حمایت گفته شده است: نگاهبانی، پناه، پستی، دستگیری، حفاظت، یاری، نصرت، اعانت، تقویت، هواداری، طرفدارای، نگاهداشت، نگاهداری (دهخدا ۱۳۲۸، ۷۹۴:۲۴).

و در تعریف از ترکیبات این واژه آمده است: حمایت‌دادن، پناه‌دادن و دستگیری کردن و یاری‌دادن.

حمایت کردن، پستی کردن و دستگیری نمودن و حفظ کردن و یاری کردن و اعانت نمودن و تقویت کردن.

و در تعریف واژه حمایت‌گر گفته شده:

۱. حمایت‌کننده، حامی - نگاهبان، نگهبان، حارس، حافظ.

۲. معاون، معین، دستگیر (دهخدا ۱۳۲۸، ۷۹۴).

همچنین در تعریف این واژه آمده است: